

## آثار عهدنامه های واگذار شده به روس و انگلیس در دوره ناصری و مظفیری

### دکتر محمود سید

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

### نینا صیادعبدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

### چکیده

حکومت قاجار در دوره ناصری و مظفیری در شرایطی که کشورهای مغرب زمین در عرصه ی اقتصادی، سیاست صدور سرمایه به کشورهای توسعه نیافته را گسترش می دادند در قلمرو اقتصاد راعی و تجاری و صنعتی از توسعه بازماند. در باب این واقعیت و تبیین ریشه های آن از دیرباز نظریه های متعددی عرضه شده است. ماهیت کارشکن دولت قاجار و ناتوانی دستگاه حکومتی از معرفت به واقعیات اقتصادی و زمینه های توسعه ی کشور، بستر فرهنگی مناسب و دنیا گریزی اجتماعی، و سرانجام تسلیم پذیری حکومت تا حدی در مقابل سیاستهای استعماری روسیه و انگلستان از جمله عوامل بازماندن اقتصاد کشور از روند توسعه طلبی بوده است. نوشتار موجود در وهله ی اول سیر تحولات اقتصادی و مطالعه ی دستگاه ایران در عصر ناصری و مظفیری پرداخته است و در وهله ی دوم اقدامات محدود دولتی در زمینه ی توسعه اقتصادی که باعث عقیم ماندن اقتصاد ایران شد پرداخته است و در وهله ی سوم اقشار اجتماعی کشور، نظیر بازرگانان نیز که انگیزه های قابل توجهی برای تحرک بخشیدن به اوضاع اقتصادی را داشتند و نه تنها از حمایت حکومت برخوردار نشدند بلکه با کارشکنی های دولت مواجه بودند و در وهله ی چهارم استنباطی از گسترش آمار ورشکستگی، انحطاط صنایع سنتی داخلی، تبدیل اقتصادی محدود تجاری به اقتصاد از جمله نهادها و علائم آشکار بن بست اقتصادی و گسترش موانع توسعه نیافتگی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده ایم.

**واژگان کلیدی:** قاجار، ناصری، مظفیری، امتیازات، پیامدها، روسیه، انگلیس.

#### مقدمه

در سده های اخیر با توجه به تحولاتی که در زمینه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در اروپا رخ داد و باعث برتری اغلب کشورهای این قاره نسبت به سایر کشورهای جهان گردید . کشورهای چینی ، انگلستان و فرانسه و روسیه در این میان به پیشرفت های قابل توجهی دست یافته اند . آن ها در جهت گسترش قدرت و منافع خویش درصدد نفوذ در میان کشورهای ضعیف تر برآمدند .

از جمله کشورهایی که مورد توجه دولت های استعماری قرار گرفت ایران بود . این کشورهای نیرومند به شکل های مختلف سعی داشتند تا در میان هیئت حاکمه ی ایران نفوذ نموده تا بدین وسیله به هدف استعماری خویش نایل شوند . یکی از بهترین راه های نفوذ آنان گرفتن امتیازات بود . امتیازاتی که در اغلب موارد این استعمارگران را به رقابت با یکدیگر فرامی خواند .

تاریخ و فرهنگ ایران مملو از افتخاراتی است که مردم این سرزمین با وجود فراز و فرودهای بسیار در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خویش آفریدند . اما در قیاس با پیشرفت جوامع نیرومند سیاسی اقتصادی جهان ، راه های نا پیموده بسیار است .

هر ایرانی میهن دوست باید دلایلی را که مانع کشورش شده ، با دلیلی انتقادی بررسی کند . با مروری بر گذشته های نه چندان دور به نظر می رسد یکی از شاخص ترین دلایل : نفوذ بیگانگان در عرصه های سیاسی ، اقتصادی و حتی فرهنگی این کشور بوده است آنچه که تحت عنوان استعمار از آن یاد می شود .

اگرچه ، استعمار به شکل متد اول آن در ایران هرگز وجود نداشته و می توان آن را به دخالت کشورهای خارجی در ایران تعبیر نمود .

با تحولاتی که از قرن ۱۶ میلادی به بعد در جهان رخ داد اغلب کشورهای اروپایی مانند انگلیس ، فرانسه ، روسیه ، پرتغال ، اسپانیا به قدرت های استعماری تبدیل شدند . این کشورها برای دستیابی به مطامع استعماری خویش نیازمند نفوذ و نظارت بر جوامع مستعمره ی خویش بودند .

موقعیت جغرافیایی ایران به شکلی بود که می توانست به پایگاهی برای نفوذ قدرت های بزرگ تبدیل شود. کشورهای انگلستان و فرانسه که برای تصاحب هندوستان با یکدیگر در رقابت بودند. دامنه ی این رقابت ها را به ایران کشاندند و به این ترتیب خسارات فراوانی بر استقلال سیاسی و اقتصادی ایران وارد نمودند.

در پی شکست های نظامی ایران از انگلستان و روسیه، دولت قاجار ناچار شد تا برای حفظ خویش امتیازهای تجاری و اقتصادی زیادی را به این کشورها اعطا نماید.

واگذاری برخی از امتیازات بازور و اجبار قدرت های استعماری بر پادشاهان و صدراعظم های ایشان و برخی نیز با میل و اراده ی ایشان و تحت شرایط خاص صورت گرفت.

اما به هر ترتیب اعطای امتیازات در این دوره بر ساختار سیاسی و اقتصادی و حتی فرهنگی ایران به طور مستقیم و غیر مستقیم تاثیر گذار بود و پیامدهایی به دنبال داشت. مجال آن نیست که تمام امتیازات واگذار شده در دوره قاجار را که موجب پریشانی سیاسی و اقتصادی ایران گردید را بررسی کنیم پس تنها به بررسی امتیازات مهم واگذار شده در عصر ناصری و مظفیری به دولت روس و انگلیس که گوی سبقت را از سایرین ربوده می پردازیم.

#### **علل و زمینه های واگذاری امتیازات در دوره قاجار**

کسب امتیازات اقتصادی - سیاسی مرحله دیگری از توسعه طلبی دولت روسیه تزاری در ایران بود. که در نیمه دوم قرن نوزدهم به وقوع پیوست، روس ها که با عهدنامه ترکمنچای شرایط حضور و نفوذ همه جانبه خود را در ایران فراهم نموده بودند، همزمان با توسعه طلبی ارضی در سرزمین های شمال شرقی ایران، کسب امتیازات اقتصادی - سیاسی را نیز در رقابت با انگلستان مدنظر خویش قرار دادند. در این دوره روس ها با سلطه اعتقادی بر ایران به راحتی مقاصد سیاسی خود را بر دستگاه حاکمه تحمیل می کردند و در واقع دربار قاجار از خود اراده و اختیاری نداشت. پادشاه و درباریان این منابع اقتصادی کشور را در ازای دریافت مبلغ ناچیزی تقدیم دول استعماری می نمودند. البته در این بین برخی بر این عقیده بودند که تنها راه پیشرفت و ترقی کشور منوط به واگذاری این امتیازات می باشد.

ناصرالدین شاه که واگذاری امتیازات به بیگانگان در دوره ی وی شروع شد، فردی ، دمدمی مزاج و مستبد بود. هر از گاهی ادعای اصلاح طلبی و ترقیخواهی می نمود. اما بعد از اندک زمانی پشیمان می شد چرا که استبداد و حرص و پول پرستی شاه اجازه چنین کارهایی را نمی داد. جهت تأمین هزینه های عیاشی خود و حس ارضای پول دوستی اش حاضر بود، در مورد هر گونه قرارداد و امتیازی با بیگانگان کنار بیاید. « از جمله هشتاد و سه مقاولات تجاری و سیاسی و سرحدی و امتیازی با دول خارجه بست در جمیع آنها ایران مغبون گردید. سی و پنج از آن قضاومت و امتیاز نامه ها بقوت رشوت و اخذ پیشکش چشم بسته بصرحه رسید.» (ناظم الاسلام، ۱۳۷۱، ۱۰۰-۹۹) در رابطه با امتیازاتی که به روس ها داده شد. ترس از آن ها نیز عامل تعیین کننده ی بود چرا که ناصر الدین شاه به شدت مرعوب روسها بود.

اما عامل دیگری که در واگذاری امتیازات توسط ناصرالدین شاه موثر بود. سفرهای او به اروپا بود. ناصرالدین شاه سه بار به اروپا مسافرت کرد. در این مسافرت ها هم بر هراس شاه به اروپاییان افزوده شد و هم شیفته تجملات و زر و زیور آنان گردید. شاه هر بار که به اروپا می رفت یکسری از منابع کشور را در مقابل دریافت ناچیزی در اختیار اروپاییان قرار می داد حراج منابع کشور از سوی شاه و درباریان در سفر سوم به اوج خود رسید تا جایی که «متا ملتزمین رکاب با هم مسابقه فروش وطن را با جانب گذاشته و گاه و بیگاه هر یک فقط برای منابع شخصی راههای مختلف خیانت را به شاه نشان می دادند» ( تیموری، ۱۳۳۲، ۲۱۳)

ناصرالدین شاه در جریان سفر سوم به اروپا زمانی که انتقادات و سرزنش های روزنامه های اروپایی و همچنین روزنامه فارسی زبان اختر را مشاهده کرد، دستور داد تا از هر گونه اصلاحات در کشور جلوگیری شود، « ظهور اینتحالات طبع شاه را زائد اعلی ماسبق از معاملات و معلومات فرنگستان نفرت داده بود و بارها در خلوت به زبان میراند که نوکرهای من و مردم این مملکت باید جز از ایران و عوالم خودشان از جایی خیر نداشته باشند و بالمثل اگر اسم پاریس یا بروکسل نزد آنها برده شود. ندانند این دو خوردنی است آیاآشامیدنی» ( امین الدوله، ۱۳۷۰، ۱۳۱)

رجال و دولتمردان دستگاه قاجاری هم در واگذاری امتیازات به دول اروپایی نقش تعیین کننده ی داشتند و حتی می توان گفت که در اغلب امتیازات نقش اصلی را آنها ایفا می کردند. از جمله این افراد می توان به میرزا حسین خان سپهسالار ، میرزا ملکم خان، امین السلطان اشاره کرد.

سپهسالار از جمله کسانی بود که یگانه راه پیشرفت و ترقی کشور را در دادن امتیازات به بیگانگان جستجو می کرد. زمانی که امتیاز رویتر را به انگلیسها واگذار کرد به ناصرالدین شاه گفت که با امضای این قرارداد « احیای دولت و ملت فرمودید» و چون به اجرا در آید « ملاحظه خواهید فرمود که یک مملکت و دولتی که بهیچوجه شباهت به آنچه هست » ندارد، ساخته خواهد شد. ( آدمیت، ۱۳۴۰، ۳۵۳) البته سپهسالار هدف سیاسی اش از این عهدنامه درگیر کردن انگلیس نسبت به سرنوشت ایران در برابر روسیه بود. زمانی که انگلیسی ها ناامید شد به طرف روسها برگشت و بعد از لغو امتیاز رویتر به روسها قول داد که امتیاز راه آهن جلفا به تبریز و سواحل دریای مازندران تا تهران را به آنان بدهد. در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا نیز در واگذاری امتیاز بریگارد و قزاق به روسها، سپهسالار نقش اساسی داشت. همچنین امتیاز شیلات شمال توسط او به روسها واگذار شد. ( تیموری، ۱۳۶۱، ۲۹۳)

امین السلطان صدراعظم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه کسی بود که بیشترین امتیازات توسط او به بیگانگان واگذار شد.

اعتماد السلطنه او را مسبب خرابی و ویرانی کشور و پریشانی امور و رواج زشتی ها و فساد می داند. در واقع اغلب منابع در وطن فروشی و منفعت طلبی شخصی امین السلطان متفق القولند.

البته خودش نیز این امر را انکار نمی کرد. زمانی یکی از علما به او گفت: « میرزا علی اصغر خان ! ایرانیان را خیلی ارزان فروختی، من حساب کرده ام هر فرد ایرانی به دولت خارجه به پانزده قران فروخته شده!» امین السلطان در جوابش گفته بود: « خیلی گران فروخته ام ایرانیان نفی دو قران بیشتر نمی ارزند!» ( حاج سیاح ۱۳۵۹، ۵۱۱)

علت چرخش های دوره ای امین السلطان به طرف روس و انگلیس را هم باید در همین عامل جستجو کرد. او در پی آن بود که با در پیش گرفتن سیاست موازنه مثبت، روسیه و انگلیس را رو در روی یکدیگر قرار دهد تا بتواند استقلال ایران را حفظ کند.

عقب ماندگی علمی و صنعتی و فقدان نیروی متخصص و زیر ساخت های لازم، از دیگر علل واگذاری امتیازات اقتصادی به بیگانگان بود افزایش ارتباط در عصر ناصری عده ای از روشنفکران و رجال دولتی به خصوص سفرای تصمیم کشورهای خارجی را به این نتیجه رساند که راه ترقی و پیشرفت ایران در گرو واگذاری طرح های اقتصادی کشور به دست اتباع خارجی می باشد. و ایران

با این کار می تواند با استفاده از دانش و تخصص اروپاییان و با سرمایه خود آنها از عقب ماندگی علمی و صنعتی نجات پیدا کنند.

در یکی از این رساله ها، آمده است. که «در ایران معدن از هر قسم موجود است، اما وسیله به کار انداختن آن فراهم نیست، و از لطافت علمی و وظایف عملی آگاهی ندارند، و پس چه زیان باشد که اولیای ایران بوسیله روزنامه اعلان نامه ی در کشورهای اروپایی منتشر سازند. مبنی بر این که از صاحبان حرف و منابع هر که به توطن در ایران طالب باشد. بیاید و مناعت و حرف خود را در مملکت ایران انتشار بدهد و رایج کند. هم خود فایده و منفعت کلی ببرد، و هم اهالی ایران به وجود او فایده و منفعت ها ببرند و رموز صنایع را هم بیاموزند» ( آدمیت، ۱۳۶۱، ۲۴۲)

اغلب کارمندان و سفرای ایران با دیدن پیشرفت کشورهای اروپایی و آگاهی از اوضاع سیاسی این کشورها به این نتیجه می رسیدند که با وجود سیستم استبدادی و ارتجاعی قاجار در ایران، یگانه راه پیشرفت و ترقی کشور واگذاری امتیازات به اتباع خارجی می باشد.

عدم امنیت و ترس از مصادره و چپاول اموال فیزیکی دیگر از علل واگذاری امتیازات به بیگانگان بود. تجار و سرمایه گذاران داخلی که در فکر سرمایه گذاری بودند همواره در حالت بی اعتمادی به سر می بردند و بیم آن داشتند که ثرویشان بر ملا گردد. در این باره یکی از مورخین اروپایی می نویسد: « در جهان ملتی نیست که اندازه ایرانی از نشان دادن سرمایه خود بیم داشته باشد، زیرا همواره در حالت بیم از دولت به سر می برد. ایرانی مجبور است و دوست دارد که همیشه سرمایه در دسترس خودش باشد و آن را در جایی پنهان کند» (ورهرام، ۱۳۶۷، ۲۰۲)

با توجه به این مطالب می توان گفت که عدم امنیت سرمایه گذاری برای سرمایه داران داخلی از علل و واگذاری امتیازات است. از طرف دیگر این عدم امنیت فقط برای اتباع داخلی بود. سرمایه گذاران خارجی از حمایت موثر دولت های خود برخوردار بودند در این میان وضعیت اتباع روس هر دولت متبوعشان اولین بار حق قضاوت کنسولی را بر ایران تحمیل کرد، کاملاً متمایز بود احدی به خود جرأت نمی داد تا دیناری را به زور از اتباع روسی مطالبه نماید و اگر هم اتفاق می افتاد دستگاه قاجار مجبور می شد چندین برابر آن را پرداخت نماید. خلاصه این که استبداد قاجار در خدمت استعمار درآمده بود تا رفاه و امنیت و استقلال کشور را از بین ببرد.

معدود کسانی هم که هر از چند گاهی برای اصلاح امور گام بر می داشتند توسط استبداد استعماری از میان می رفتند.

نکته دیگری که در رابطه با واگذاری امتیازات به روسها می توان به آن اشاره کرد. تأثیر معاهده ترکمنچای در واگذاری این امتیازات است روسها با این معاهده زمینه های نفوذ همه جانبه خود در ایران را به دست آوردند و با تعهداتی که در معاهده مزبور از ایران گرفته بودند در زمان های مختلف و متناسب با شرایط روز، زمینه حضور خود را در ایران فراهم می نمودند پس می توان گفت که اخذ امتیازات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، از ایران که چند دهه بعد از انعقاد عهدنامه ترکمنچای روی داد در واقع اجرای مفاد این معاهده در شکل و شمایل جدیدی بود. که روسها تدارک آن را از سالها قبل دیده بودند.

#### در آمدی بر تجارت خارجی در دوره ناصری

جنبش تنباکو یکی از نقاط عطف تاریخ ایران عصر قاجار است و در واقع بدون فهم عوامل بروز آن خیزش راه بر تحلیل وقایع بعدی تاریخ ایران که منجر به حدوث جنبش مشروطه شد بسته است. اگر این دیدگاه کلی را بپذیریم که حوادث تاریخی ظاهری و باطنی دارند و ظواهر، بازتاب اموری هستند که در پشت پرده روی داده اند و نیز اگر به این نکته توجه کنیم که شناسایی یک حادثه تاریخی در پرتو کشف منطقی درونی آن حادثه امکان پذیر است. آنگاه به این نتیجه دست می یابیم که در پس وقایع جنبش تنباکو اندیشه ای نهفته بود که باطن این حرکت را آشکار می ساخت.

برای شناسایی جنبش تنباکو به طور کلی سه تحلیل وجود دارد: نخست دیدگاهی که معتقد است انگیزه آن حرکت تاریخی صرفاً «اقتصادی و سیاسی محض» بود (آدمیت، ۱۳۶۱، ۳۵) و در ماجرای انحصار توتون و تنباکو «صاحبکاران اصلی قضیه» بازرگانان بودند (آدمیت، ۱۳۶۱، ۸۶) دیدگاه دوم بر آن است که گویا خیزش مخالفت با امتیازنامه رژی محصول «ائتلاف ناسیونالیست ها، اصلاح طلبان و پیشوایان مذهبی» است (کدی، ۷۳) و در این راستا بر نقش آن چیزی که پیروان سید جمال الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان نامیده شده است تاکید فراوان صورت می گیرد (آدمیت، ۱۳۶۱، ۸۶) سومین دیدگاه مبتنی بر نظریه ای است که طبق آن چنین استدلال می شود که

گویا تحولات داخلی ایران عصر قاجار تابعی از رقابت های بین المللی دو ابر قدرت روس و انگلیس برای دستیابی به اهرم های سلطه اقتصادی و سیاسی بر این کشور بوده است، پس جنبش تنباکو به مثابه عقب نشینی انگلیس در برابر روس تفسیر و تبیین می شود (کاظم زاده، ۱۳۵۴، ۹۶). طبق این دیدگاه خیزش مخالفت با امتیازنامه رژی به تحریک عوامل روس انجام گرفت تا رقیب را از عرصه تکاپو بر سر تسلط بر شریان های اقتصادی ایران بیرون براند و در مقابل موضع خود را هر چه بیشتر تحکیم بخشد. نظریه دیگری نقش انگلیس را در تحولات داخلی ایران بسیار برجسته می نماید و در واقع این مسئله را به ذهن متبادر می نماید که گویا جنبش مخالفت با رژی به تحریک خود انگلیسی ها انجام گرفته است. این چندگانگی در تحلیل جنبش تنباکو حکایت از آشفتگی اندیشه تاریخی در مورد حوادث عصر قاجار است که باید در پرتو منابع و مأخذ مورد کنکاش و نقد قرار گیرد.

حقیقت آن است که اقتصاد خارجی ایران در دوره مورد بحث ربط مستقیمی با نظام سرمایه داری جهانی داشت به گونه ای که از دست دادن بازار داخلی ایران در واقع یک شکست سیاسی محسوب می شد ایران مرکز ثقل روابط اروپا، آسیا و آفریقا بود، تسلط بر بازار ایران به منزله در دست داشتن شریان های اقتصادی منطقه به حساب می آمد، از آن مهمتر اینکه ایران دروازه هندوستان به شمار می رفت پس تسلط بر اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران ضرورتی اجتناب ناپذیر بود (کرزن، ۴۵).

اعطای امتیاز به بیگانه دو رویه داشت: نخست آنکه بیگانگان برای اخذ امتیازات در جست و جوی دوستانی میان رجال کشور بر می آمدند و اینان پایگاه سیاسی ایشان را تشکیل می دادند و دوم اینکه اقتصاد داخلی در دست فرنگیان قرار می گرفت باید یادآور شد که همه رجال ایران از سر وابستگی به اجنبی به واگذاری امتیازات تن نمی دادند، بلکه در میان آنها کسان دیگری هم بودند که راه رشد اقتصادی را در گرو واگذاری امتیازات می دیدند چون در جامعه ایران عصر قاجار امنیت سرمایه و وجود نهادی که منافع تجار را مطمئن نظر قرار دهد وجود نداشت. بنابراین ادغام در نظام سرمایه داری جهانی از طریق یاد شده ساده ترین راه حل برای پیشرفت اقتصادی شمرده می شد. اندیشه بهره برداری از سرمایه خارجی در ایران از شخص شاه آغاز می شد، او در



نامه ای خطاب به فرخ خان امین الدوله خواسته بود تا نامبرده مشارکت سرمایه داری انگلیسی برای احداث کارخانه در ایران را جلب نماید و با آنها مذاکره کند (فوریه، ۱۳۶۲، ۱۴۸)

### ساختار اقتصادی اجتماعی

جامعه ایران در دوره قاجار مجموعه ی از ساخت های متعددی بود که هر یک به شکل پایه و راس هرم نفوذ خاصی خود را داشت. این گروه های گوناگون متحد از لحاظ ساخت به یکدیگر شباهت داشتند، اما از نظر طبقاتی تابع سلسله مراتب اجتماعی بودند و از گروه هایی نظیر قبیله، دهکده یا گروهی از علما، تجار یا صنف تشکیل شده بود.

چنین ترکیب نامتجانس و شکننده ی قدرت حکومت مرکزی رو به شدت تقلیل می داد. واقعیت آن است که قاجار ها پس از سیطره بر ایران، نظم جدیدی به وجود نیاوردند یا ساخت موجود را که وارث آن بودند - تجدید سازمان نکردند، بلکه اراده ی خود را بر وضع موجود تحمیل کردند، افراد خود را به جای اعضای حکومت سابق بر مقامات و مناسب حکومتی گماردند و بدون این که به ترکیب اجتماعی و اقتصادی دست بزنند، حاکمیت خود را بر سراسر ایران گسترده کردند.

حاکمیتی که همواره در خوف شورش و نا امنی به سر می برد و قدرت مشروعیتش توسط عناصر ناراضی از طیف های مختلف به چالش کشیده می شد. (فلور، ۱۳۶۵، ۲۰)

در عصر ناصر الدین شاه به دلیل حضور قوی و گسترده کالای غربی، فروش امتیازات اقتصادی و منابع طبیعی مملکت به اروپاییان، بی توجهی و بی احترامی به تجار بین نظام استبدادی کهن و خواسته های صاحبان حرف شهری و تجار، عدم توازن در حال رشدی به وجود آمد. (کدی، ۱۳۹۲، ۶۷)

حکومت ناصری با برخورداری از منافع مادی ناشی از فروش منابع خدادای ایران که بالتبع بی نیازی مالی از طبقه تجار را به همراه داشت، از در مخالف با تجار درآمد و قراردادهایی که به ضرر تجارت داخلی بود، منعقد نمود.

این قراردادها چیزی جز از بین رفتن تولیدات داخلی، کاهش واردات و وابستگی تجارت و تجار بیگانگان رو به همراه نداشت. هدف انگلستان و روسیه دخالت مستقیم در بازارهای ایران

بود و با تاسیس شرکت ها و تجارتخانه های مربوط به خود در ایران ، قصد حذف تجار ایرانی از داد و ستد و تجارت در ایران رو داشتند .

شاه قاجار به دلیل خالی بودن خزانه ی کشور و برای جبران کسر بودجه از یک طرف تامین هزینه های گزاف سفر خود به فرنگ از طرف دیگر ، قراردادهایی را به سود این کشورها منعقد کرد . این امتیازات به سود جامعه بازرگانی دو کشور انگلستان و روسیه و به ضرر تجار ایرانی و تجارت ایران بود که نتیجه ی جز فقر اقتصادی و تنگدستی و تحصیر بازرگانان ایرانی در بر نداشت .

بیشتر این امتیازات مربوط به دوره ناصر الدین شاه بود ، به طوری که در طول سلطنت پنجاه ساله ناصر الدین شاه مجموعاً ۸۳ فقره امتیاز و عهدنامه امضاء شد حداقل ۵ مورد امتیاز پس از دریافت رشوه های کلان اعطا شده است . (بهنام، ۱۳۵۷، ۳۷)

### پیشرفت اقتصادی

حمایت اقتصاد داخلی با دو پدیده اقتصادی خارجی برخورد داشت سرمایه گذاری خارجی ، تجارت آزاد در دستور پیشرفت اقتصادی تقریباً همه کشورهای آسیایی ، به کار انداختن سرمایه بیگانه سخت مقبول به نظر می رسید ؛ بسیاری از ترقی خواهان هوا خواهش بودند ، از نظر فرض اقتصادی ، سرمایه گذاری خارجی در رابطه با شرایط آن قابل سنجش و ارزش یابی است پس به کار انداختن سرمایه بیگانه نه ضامن رشد اقتصادی کشور سرمایه پذیر است ، نه به خودی خود عامل قدرت اقتصادی آن (آدمیت ، ۱۳۶۱، ۲۹۷)

انگلیسی ها طی معاهداتی که در قرن نوزدهم با ایران امضاء نمودند. به اهداف استعماری خود در جدا نمودن اراضی مورد نظر دست یافتند و از این نظر حاشیه امنیت بیشتری در دفع از هند نمودند در نیمه دوم قرن نوزدهم و با توجه به شرایط بین المللی و تغییر سیاست های استعماری، انگلستان سیاست های توسعه طلبانه خود را با کسب امتیازات اقتصادی دنبال نمود. در این میان شرایط داخلی ایران نیز جهت واگذاری این امتیازات آماده بود، بحران مالی قاجارها، عقب ماندگی علمی و صنعتی ایران و نیاز به اصلاحات ، سودجویی و منفعت طلبی دستگاه حاکمه و برخی

رجال و در نهایت ترس از توسعه طلبی بیشتر روسها علل و عواملی بود که انگلیسی ها را در کسب امتیازات در ایران یاری می داد.

هدف انگلستان از کسب امتیازات ، رسیدن به مقاصد سیاسی خود در ایران بود، انگلیسی ها طی این امتیازات نفوذ و سلطه سیاسی خود را در ایران گسترش دادند. با واگذاری این امتیازات ایران از لحاظ اقتصادی به کشوری وابسته تبدیل شد که عمده صادرات آن به مواد اولیه و خام منحصر می شد و وارداتش را کالاهای مصرفی تشکیل می داد. بدتر از همه اینکه عمده صادرات و واردات ایران از طریق دو کشور استعماری روسیه و انگلستان بود که در این میان سهم انگلستان چیزی در حدود نیمی از اقتصاد ایران بود.

#### روابط اقتصادی و تجارت خارجی

جنگ های ناپلئون در دهه ی نخت سده ی نوزدهم ( ۱۱۷۹ - ۱۲۷۹ ) تفوق نظامی فرانسه را در اروپای مرکزی محرز کرد ، اما انگلستان تنها دولتی بود که این برتری را به چالش می کشاند . از این رو ناپلئون به جای رویارویی مستقیم با بریتانیا در اروپا ، تصمیم گرفت ، گلوی هند ، مستعمره اش را بفشارد که بزرگ ترین و زر خیز ترین مستعمره ی انگلیس و در واقع شریان حیاتی این کشور بود .

ناپلئون برای تدارک حمله به هند متوجه ایران شد و خواستار روابط دوستانه و اتحاد گردید . انگلستان هم برای ممانعت از چنین اتحادی ، دست دوستی به سوی ایران دراز کرد . دولت ایران هم که گرفتار تهاجمات روسیه تزاری بود ، ناگاه در ابتدای قرن نوزدهم در مدار و کانون توجه سه قدرت انگلستان ، فرانسه و روسیه قرار گرفت ، دولت روسیه که سودای دستیابی به مستعمره ی انگلستان و آب های گرم جنوبی را در سر داشت ، سیاست تجاوز کارانه ی علیه ایران در پیش گرفت .

کمیانی هند شرقی بریتانیا به دنبال وقفه ای بلند مدت در قرن هجدهم ، بار دیگر در سال ( ۱۸۰۱ م / ۱۱۸۰ ش ) قفقاز را اشغال کرد ، انگلستان کمکی به ایران در دفع تجاوز به عمل نیاورد . ایران که از اتحاد با فرانسه نیز طرفی نبسته بود ، بار دیگر به انگلستان روی آورد و در ( ۱۸۱۴ م / ۱۱۹۳ ش ) دو کشور پیمان اتحاد دفاعی ( محدود ) را امضا کردند . هنگامی که در سال های

۱۸۲۶ م / ۱۲۵ ش تا ۱۸۲۸ م / ۱۲۰۷ ش) بین ایران و روسیه جنگ درگرفت ، انگلستان کمکی به ایران نکرد و به دروغ ایران را متجاوز قلمداد کرد . ( نایبان ، ۱۳۷۲ ، ۳۸ )

### روابط اقتصادی و تجارت داخلی

در دهه ( ۱۸۳۰ م / ۱۲۱۰ ش ) در انگلستان اجماع فراینده ی پدید آمد مبنی بر این که روسیه در آسیا و ایران ، عثمانی و آسیای میانه در حال توسعه بخشیدن به قلمرو خود است . از همین جا طرح « مسئله شرق » یا « بازی بزرگ » ریخته شد . در این طرح ، ایران به عنوان دولت حایل در برابر پیشروی و توسعه طلبی فزاینده ی روسیه به سوی هندوستان ، از اهمیت استراتژیکی خاصی برای بریتانیا برخوردار شد . ( وین ، ۱۳۸۲ ، ۳۲۵ )

انگلستان با استفاده از قدرت نظامی در رسیدن به اهداف دیپلماتیک و استراتژیکی خویش در نیمه سده ی نوزدهم ( ۱۱۷۹ - ۱۲۷۹ ش ) تفوق تجاری خود در ایران را هم ثبت نمود . دادو ستد بریتانیا با ایران در نیمه ی نخست سده ی نوزدهم ( ۱۱۷۹ - ۱۲۷۹ ش ) در خلیج فارس و نیز در مسیر بازارهای پرجمعیت شمالی مسیر صعود شتابنده ای پیدا کرد .

با تفوق سیاسی کمپانی هند شرقی در هندوستان ، این شرکت در مبادلات تجاری با ایران در خلیج فارس به جای پارچه های هندی ، کالا و پارچه های انگلیسی به ایران صادر کرد .

انگلستان در ضمن کالاها خود را به قلمداد زیاد با کشتی تا دریای سیاه و بندر ترابوزان عثمانی می فرستاد و از آن جا از طریق خاک عثمانی ، به بازارهای تبریز و صفحات شمالی ایران وارد می کرد .

تبریز در این زمان بزرگ ترین بازار تجاری ایران بود . وقتی به دهه ی ۱۸۵۰ می رسید ، انگلستان بزرگ ترین طرف تجاری ایران است و بیش از ۵۰ درصد واردات ایران را در دست دارد . ( انصاری ، ۱۴۸ )

در دوره پنجاه ساله مابین ( ۱۸۶۳ م ۱۲۴۲ ش و ۱۹۱۴ م / ۱۲۹۳ ش ) چند رشته امتیازاتی که در مورد بهره برداری یا انحصار مواد خام و توسعه ی زیربنایی از طرف دولت ایران به اتباع انگلیسی و البته روس داده شد ، علاوه بر این که سودی سرشار عاید این کشورها کرد و در مورد

انگلستان بر حجم مبادلات تجاری آن کشور با ایران به مقدار زیادی افزود، باعث شد این روند صعودی تا جنگ جهانی اول ادامه یابد. (فوران، ۱۳۷۷، ۱۷۴)

روسیه بین سال های (۱۸۰۱ م / ۱۱۸۰ ش و ۸۲۸ م / ۱۲۰۷ ش) در دو جنگ با ایران و پیروزی بر این کشور، بخش وسیعی از قلمرو ایران جدا نمود. در نخستین جنگ مناطق پهناوری، از جمله باکو را به خاک خود ضمیمه کرد و حقوق گمرکی ۵ درصد را برای خود تعیین نمود. در جنگ دوم که بر اثر نقص پیمان اول توسط روسیه زمینه های بازرگانی حقوق ویژه ای برای روسیه قائل شود. (کاظم زاده، ۱۳۵۴، ۱۰۹)

در بازار ایران برای کار و نیز محصولات کشاورزی روسیه تقاضا ایجاد شد و ایران به بازاری برای کالاهای صنعتی روسیه تبدیل گردید و روسیه هم از حالت فشار نظامی کاست و به وسایل مسالمت آمیز و رخنه ی اقتصادی متوسل شد. روس ها هم مانند انگلیسی ها در صدد کسب امتیاز به نفوذ نهادها و افزایش داد و ستد با ایران برآمدند. (کاظم زاده، ۱۳۵۴، ۱۰۹)

تراز بازرگانی با ایران نیز به تدریج به نفع روسیه شد و در (۱۹۱۰-۱۹۱۴ میلادی ۱۲۸۹ - ۱۲۹۳ ش) کسری تراز تجاری ایران با روسیه به یک میلیون رسید. سلطه ی بی حد و حصر روسیه بر عرصه اقتصادی، در آستانه ی جنگ جهانی اول به صراحت قابل مشاهده است، به اندازه ی که ایران تا حد چشمگیری در مدار اقتصاد روسیه قرار داشت و بخشی از اقتصاد آن کشور محسوب می شد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۸۶ و ۱۸۷)

### نفوذ مالی روس و انگلیس

بانک استقراضی اهرم اصلی نفوذ اقتصادی روسیه در ایران دوره قاجار مخصوصا دوران سلطنت مظفردالدین شاه بود. این بانک از همان آغاز طرح های بسیار گسترده ای برای جلب اقشار مختلف مردم به سوی خود اندیشیده بود. چنانکه حتی فقیرترین افراد کشور نیز قادر می شدند. نقدینگی های اندک خود را در بانک به امانت گذارده و سود قابل توجهی کسب نمایند. ( تیموری، ۱۳۳۲، ۳۴۶-۳۴۵)

چنانکه از منابع این دوره بر می آید از قبل این سیاست اقتصادی، نقدینگی بسیار زیادی را جذب کرد: «بانک استقراضی روس-مال التجاره آورده به قیمت های گزاف به وعده چهل، پنجاه ماه داد. به خیال آن که مدت طولانی آن مال بردند. و بانک پول گرفتن تا تمام نقدینه جمع شد» (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۳، ۲۳۱۹) با تسهیلات هنگفتی که بانک استقراضی در اعطای وام های مختلف در اختیار افراد کشور از طبقات گوناگون قرار داده بود، به سرعت گروه گسترده ی از مردم به مقروضان آن بانک مبدل شدند.

مهم ترین هدف بانک استقراضی در اعطای وام های ریز و کلان به رجال و دولتمردان کشور به منظورات سیاسی صورت می گرفت. بدین ترتیب اولیایی بانک و حامیان سیاسی آنها که در رأس سفارت روس در تهران قرار داشت امیدوار بودند با وابستگی مالی این رجال به هنگام ضرورت از وجود آنها برای پیشبرد اهداف و خواسته های سیاسی دولت متبوعه خود بهره برداری نمایند. (کیانفر، ۱۳۶۳، ۷۸-۷۹) موارد متعددی از کمک های مالی بانک استقراضی به صورت وام و یا مساعده هایی بلاعوض به رجال و دولتمردان کشور وجود داشت و این گونه سیاست هزینه پول از سوی بانک در توسعه نفوذ سیاسی روسیه در میان رجال دولتی اثر قابل توجهی بر جای گذارده بود. (رسول زاده، ۱۳۷۷، ۲۲۴)

اگر چه بانک شاهنشاهی از لحاظ اجرای سیاست فوق مبنی بر پرداخت قروض ریز و کلان به اقشار مختلف جامعه بویژه طبقات فرو دست جامعه چندان سرمایه گذاری نکرد اما باید این نکته مهم را در نظر گرفت که بانک شاهنشاهی در رقابت با بانک استقراض روس، در محاسبات مالی و اعتباری خود حساب ویژه ای برای پرداخت وام به دو گروه تجار و اعیان و متنفذین باز کرده بود. (شوستر، ۱۳۴۴، ۱۳)

عبدالحسین خان سپهر، مورخ دوره مظفرالدین شاه، در یک تحلیل منطقی اقدامات و فعالیت های این دو بانک را در دوره سلطنت مظفرالدین شاه چنین تفسیر می کند: «بانک روس امروزه به رقابت با بانک شاهی پرداخته و مردم ایران پایمال این دو شده اند. وعن قریب است که نقدینگی ایران به واسطه بانک انگلیس و جواهرات و اشیاء به واسطه (بانک) روس مفقود الاثر خواهد شد. (سپهر، ۱۳۶۸، ۳۰۱) بانک شاهنشاهی در واپسین سالهای سقوط قاجار واکنش ها و اعمال تردید برانگیزی داشت. یک روز پرداخت حواله جات محدود و روز دیگر محدودیت ها لغو می گردید.

این اعمال باعث اضطراب مردم می شد. (آوری، ۱۳۶۹، ۴۲۲) بدین ترتیب بانک شاهنشاهی همانند بانک استقراضی با پرداخت وام های ریز و کلان طبقات تجار و اعیان و اشراف را به زیر سلطه خود کشیده و به هنگام لزوم از این طریق به اهداف سیاسی مورد نظر خود به ویژه در دوران بروز هرج و مرج صورت عمل می پوشاند. از لحاظ اجتماعی و اقتصادی از زمان ظهور صفویه تا دوره مشروطه وضعیت مردم تقریباً یکسان بوده و حداقل از لحاظ نکات مثبت چندان تغییری نکرد. جامعه ایران دوره قاجار ساختار قرون وسطایی داشت و تعصبات شدید ملی و مذهبی بر روح جامعه حکم فرمایی داشت. در این نظام اجتماعی طبقات بالای حاکم تقریباً مرفه و اقشار پایین آن به شدت تنگ دست بودند. همچنین برخی منابع، دوره قاجار را دوره پیش از صنعتی شدن نامگذاری کرده، که یک حکومت نسبتاً ضعیف زمام امور را در اختیار داشته و ایالت های مختلف نیز به نوعی از خودمختاری نسبی برخوردار بوده اند.

به هر حال دولت مرکزی ایران با یک چنین وضعیتی بود که از اواخر دوره سلطنتی ناصرالدین شاه با یک پدیده شوم دیگر استعماری روبرو شد. هر چه زمان می گذشت حکومت مرکزی نیاز بیشتری به پول پیدا می کرد و از آن جا که مبالغ قرض گرفته شده نیز نیاز سیری ناپذیر اولیای امور را رفع نمی کرد بعضی اوضاع از طرف این اشخاص و یا حمایت شاه اقداماتی جهت کسب منابع مالی جدید سر می زد.

اگر استبداد حاکم بر ایران عصر قاجار و زورگویی های حکام و صاحبان قدرت و عدم امنیت منتج از آن را که انگیزه سرمایه گذاری در شبکه های تولیدی و سنتی را از بین می برد، به مجموع مواردی که قبل از این ذکر شد، اضافه کنیم شاید مهاجرت سرمایه داران، بازرگانان قابل توجهی تر باشد. (سیف، ۱۳۷۳، ۵۴) اکثر منابع و اسناد این دوره، حکایت از افزایش روز افزون تعداد کلنی های مهاجرنشین ایرانی در منطقه قفقازیه و کشورهای که همچون ترکیه که با ایران مرز مشترک دارند، می کنند. (جمالی، اسدآبادی، ۱۳۴۹، ۴۱) نکته قابل توجه این که رکود اقتصادی در دوران مظفرالدین شاه و ماقبل مشروطه که در این هنگام در همه جا سایه گسترده بود، تا حدود زیادی ناشی از قرضه های پی در پی نظام و هزینه این قرون در راههای ناصواب و کاملاً غیر اقتصادی و سوء استفاده های اقتصادی دولتی روس و انگلیس بود. سرمایه های روسی و انگلیسی در پیکره اقتصاد سنی و ایلی قاجار تزریق شده و تمام بخش های اقتصادی را به رکود کشانیده و از این رهگذر زمینه لازم برای مهاجرت اقشار مختلف جامعه را ایجاد کرده بود. بررسی منابع نشان می

دهد که مهاجرت ایرانیان به خارج، در مرزهای شرقی و شمال شرقی مملکت رواج بیشتری داشته است. ضمن این که دولت روسیه شرایط مناسبی برای زندگی و انجام امور مربوط به تجارت و بازرگانی ایجاد می کرده است.

پدیده مهاجرت ایرانیان، به خارج از کشور دوره سلطنت مظفرالدین شاه شتاب بیشتری گرفت چرا که در این دوره « قروض ایران ویران کن» از دولت انگلیس و بویژدولت تزاری روسیه اخذ شده، و به دنبال آن تعرفه های غیر عادلانه و یک طرفه گمرکی با دول قرض دهنده منعقد گردید. این موضوع باعث شد تا دولت روسیه بیشترین نفع را از وضعیت موجود ببرد. چرا که پس از آن سیل کالاهای تجاری روسیه به بازارهای ایران بدهکار و ضعیف شده سرازیر می شد. این مهم گذشته از منافع تجاری که برای اجانب (روس و انگلیس) داشت باعث از بین رفتن امور بازرگانی، کشاورزی و دامداری شده و مردم اجبارا به شهرهای روسیه رو آورده و ایران به « قبرستان» مبدل می گشت. ( آدمیت، ۱۳۵۴، ۹۶) بدین ترتیب می توان اذعان نمود که یکی از پیامدهای مهم وابستگی اقتصادی به روس و انگلیس از لحاظ اجتماعی خروج مردم ایران بویژه از طریق مرزهای شمالی شرقی و شمال غربی و مستقر شدن در مناطقی مانند ترکیه، قفقازیه، و مناطق دیگر بود. مناطقی که عموماً زیر پوشش امپراطوری دولت تزاری قرار داشت.

### تجارت

یکی دیگر از پیامدهای روابط نادرست اقتصادی با روس و انگلیس، تأثیر این پدیده بر وضعیت تجارت ایران بود. با صدور منابع مالی خارجی به ایران که غالب آنها به صورت وام، مساعده و قرضه صورت می گرفت. شکل تجارتي ایران نیز دگرگون شد. روسیه بخاطر داشتن مرز مشترک با ایران از لحاظ تجارت موقعیت مناسب تری برخوردار بود، بویژه این که دولت تزاری امتیاز احداث و بهره برداری از مهم ترین راههای تجاری را در شمال در اختیار خود داشت ( گروته، ۱۳۶۹، ۲۶۹).

به غیر از بانک هایی مانند استقراضی و شاهنشاهی، عامل دیگری که باعث که باعث رونق، تجارت دول بیگانه بویژه روس و انگلیس می شد، تحصیل قراردادهایی در زمینه های مالی و اقتصادی بر دولت ایران بود. تحمیل این قراردادها هر اندازه که رونق تجارت و بازرگانی بیگانگان را در پی داشت به همان اندازه و حتی بیشتر تجارت و بازرگانی ایران و ایرانی را از رونق انداخت



و البته پیامدهای اجتماعی و اقتصادی خویش را نیز در پی داشت. ( آشوری و رئیس نیا، ۱۳۴۷، ۴۶-۴۴)

انگلستان نیز در دوران « سرمایه داری غیر انحصاری» در غرب نقش عمده ای در تجارت خارجی ایران بویژه در نواحی جنوب بر عهده داشت. در این زمان دول روس و انگلستان که با پرداخت قرضه های متعدد سلطه اقتصادی خود را بر کشور ایران تحصیل کرده بودند، نه تنها اسباب گسترش فعالیت سرمایه داران ایرانی را بویژه در زمینه صنعت با موانع فراوانی روبرو می ساختند. ( باری یر، ۱۳۶۳، ۲۱) در دوره سلطنت مظفرالدین شاه دولت انگلیس به تقلید از رقیب دیرینه ( روسها) سعی داشت تا برای توسعه نفوذ اقتصادی - سیاسی خود در ایران از همه امکانات موجود بهره برداری کند. به غیر از تأسیس شرکت های متعدد، البته پرداخت قروض به دستگاه حاکم مورد نظر آنها بود.

شرکت های تجاری روس و انگلیس که شعبات خود را در بیشتر شهرهای ایران گسترده بودند، علاوه بر فعالیت های تجاری در این هنگام، برای بازرگانان ایرانی محدودیت فراوانی را ایجاد می کردند (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ۱۷۱)

زیرا نمی توانستند با سرمایه داران بزرگ خارجی رقابت کنند و به همین جهت هر روز بیش از روز پیش بر تنگ دستی آنها افزوده می گشت و سرانجام نیز ساقط و ورشکسته می شدند (رزاقی، ۱۳۶۷، ۱۴) بدین ترتیب دولتهای روس و انگلیس با صدور سرمایه های خود به کشورهایی مانند ایران سعی می کردند که علاوه بر بخش کشاورزی، قسمت های دیگر اقتصادی ایران ( تجارت و صنعت) را تحت اختیار خود گرفته و با پرداخت وامهای سنگین به حکومت مرکزی، وابستگی دولت ایران را به نظام پولی خود بیشتر کرده و موقعیت خود را تثبیت نمایند. تجار ایرانی نیز که راه سرمایه گذاری در بخش های صنعتی کشور را بسته یافتند. سرمایه خود را صرف خرید زمینهای خوانین و شاه نمودند و این موضوعی بود که سیر نزولی اقتصاد دولت را افزایش می داد. ( ایوانف، ۱۳۵۷، ۱۶)

#### صنعت و معدن

پس از تجارت، صنعت و کشاورزی از دیگر بخش های اقتصادی بودند که تحت تأثیر سیاست های روس و انگلیس در دوره قاجار به مرحله ی نابودی کشیده شدند. در این راستا باید اعتراف

نمود که از رونق افتادن تجارت ( مخصوصا تجارت داخلی) تأثیر سوء بسیاری بر صنایع بومی مانند ریسندگی و بافندگی و کشاورزی گذاشت و آنها را از رونق گذشته انداخت ( فوران، ۱۳۸۲، ۱۹۷-۱۹۶) افزایش قرضه های متعدد و پی در پی باعث تسلط روس و انگلیس ( بویژه روسها) بر نظام مالی و اقتصادی کشور شد و این کشورها پس از به چنگ درآوردن مراکز گمرکی در ایران، تجارت و بازرگانی کشور را به نفع خود تغییر دادند. ( تیموری، ۱۳۳۲، ۴۰۴)

پس از گذشت اندک مدتی تمامی بازارهای داخلی از کالاهای ساخته خارج پر شد و در همین راستا بود که بسیاری از صنایع بومی پس از روبرو شدن باورشکستگی، از بین رفتند. نابودی صنایع رامی توان به عنوان یکی از پیامدهای استقراض خارجی در نظر گرفت به عبارت دیگر پس از تجارت ( داخلی و خارجی ) بخش صنعت به همراه کشاورزی از بخش های اقتصادی دیگر کشور بودند با نفوذ اقتصادی غرب و ورود سرمایه های مالی و خارجی ( بویژه از طریق) استقراض خارجی به درون نظام مالی و شدت آسیب دیدند.

درشرایطی که صنایع دستی ایران از همه طرف زیر ضربات محصولات وارداتی قرار داشت و تحلیل می رفت، فقر روز افزون دهقانان ، بدون شک یکی از عوامل اصلی محدود کننده بازار داخلی بوده است. ( سیف، ۱۳۷۳، ۱۵)

به هر حال پس از کشاورزی، بخش صنعت نیز تحت تأثیر منفی استقراض خارجی دچار سیر نزولی گردید. این در حالی بود که صنایع بومی و ملی دوره های مختلف تاریخی ایران که زمانی با بهترین صنایع دنیا ادعای هم سوی می کرد، در دوره قاجار یکسره از میان رفت. از طرف دیگر همانطور که قبلا نیز اشاره شد، ریشه فعالیت های صنعتی ایران به قرن شانزدهم و هفدهم میلادی و دهم و یازدهم هجری قمری که مقارن با حکومت سلسله صفویه می باشد، باز می گردد . ایران در آن دوره کشوری صنعتی محسوب می گردید، و کالاهای تولید شده توسط صنایع دستی آن به کشورهای دیگر صادر می شد. صنعت بومی ایران و رشته های وابسته به آن بویژه در دوره صفویه و در هنگام سلطنت شاه عباس اول( ۹۹۶ق/ ۱۵۸۸ م)در اوج پیشرفت و ترقی قرار داشت. کارگاههای سلطنتی که به عنوان « بیوتات سلطنت» شهرت داشتند محل تجمع کارگران و پیشه وران زیادی بود که دررشته های مختلف مشغول به کار بودند ( سیوری، ۱۳۶۳، ۱۶۹) با آغاز قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم هجری قمری که دوره پیشرفت و ترقی تمدن بشری محسوب می

شود، ایران دچار جنگ های داخلی و خارجی گردید و از این لحاظ (اجتماعی) به شدت زیان دید (نفیسی، ۱۳۶۸، ۷۹) به عبارت دیگر ضعف ایران که هنگام حمله افغانها به ایران شروع شده بود و تا زمان تأسیس سلسله قاجار ادامه داشت، در این دوره (قاجار) نیز سیاست استعماری روس و انگلیس این ضعف را تشدید می کرد. (نصر، ۱۳۶۳، ۳۸۶) در دوره قاجاریه نفوذ سرمایه داری غرب باعث شد که اقتصاد « معیشتی » ایران پس از گذشت قرن ها، سرانجام تحت سلطه غرب قرار گیرد. و زمینه وابستگی آن را به سرمایه و اقتصاد جهانی فراهم ساخت. از زمان وقوع « انقلاب صنعتی » و پس از آن در دومین انقلاب صنعتی (توسعه راه آهن و خطوط تلگرافی و ...) که کشورهای اروپایی به فکر بازارهای خارجی برای فروش کالاهای خود افتادند، کشورهایی مانند ایران در دام اقتصادی غرب افتادند (ملک زاده، ۱۳۷۱، ۱۳۴)

بدین جهت می توان چنین اذعان نمود که تا پایان دوره سلطنت ناصرالدین شاه علاوه بر « معاهدات تجاری مضر » که دولت مرکزی با دول خارجی می بست و رفتار غیر عادلانه و استعماری روس و انگلیس در برخورد با اقتصاد و صنعت ایران (پاولویچ، ۱۳۵۷، ۳۵) آن چه که باعث ضعف و اضمحلال صنایع ایران می شد، عدم حمایت شاه و دربار از این صنایع بود.

در پی این قرضه ها، سیل عظیمی از مصنوعات صنعتی غرب بویژه انگلستان و روسیه به بازارهای داخلی هجوم آورده و زوال تدریجی صنایع بومی ایران را به شدت تسریع بود ( وطن خواه، ۱۳۸۰، ۳۹۹) به تدریج اقتصاد ایران که از حالت رکود خود خارج و در بازارهای جهانی به صورت آمیزه ای « نامزون » و بدون « پویایی درونی » ادغام گشته بود، با فروپاشی بازارهای داخلی، زوال صنایع ملی، و سرانجام صدور مواد خام روبرو گشت (باری یر، ۱۳۶۳، ۲۲-۲۱)

دول روس و انگلیس در کنار پرداخت قرضه های متعدد به سلاطین قاجار با کسب امتیازات رنگارنگ اقتصادی و تجاری سلطه اقتصادی و سیاسی خویش را در ایران مستحکم نمودند. (باری یر، ۱۳۶۳، ۲۱) در واقع روس و انگلیس دولت هایی بودند که از طریق کسب امتیازات مختلف، « تسخیر صلح آمیز » نایل شدند. و بویژه دولت تزاری که با گذشت زمان اقتصاد را تابعی از سیاست قرار داده و در تمامی مراکز اقتصادی کشور سرمایه گذاری های هنگفتی نموده، و این سیاست را از طریق بانک استقرایی و با گشاده بازیهای فراوان در دادن وام به اقشار مختلف انجام داد. انگلیسی ها نیز از نظر اقتصادی در دوران پس از مشروطیت سیاست های پولی خود را مرحله به مرحله انجام داده و به اقشار مختلف انجام داد انگلیسی ها نیز از نظر اقتصادی در دوران پس از

مشروطیت سیاست های پولی خود را مرحله به مرحله انجام داده و به اهداف خود نایل می شدند (اتحادیه، ۱۳۵۷، ۴۴)

بدین ترتیب نفوذ بیگانگان که ابتدای سلطنت قاجار شاید بیشتر جنبه نظامی و سیاسی داشت، در اواخر دوره قاجار کاملاً جنبه اقتصادی و مالی پیدا کرده بود. این وضعیت همان شرایط و اوضاعی بود که به قول ادوارد براون حالت «نیمه محاصره ای» نامیده می شد.

### فقر و افزایش مالیات ها

البته «فقر عمومی» پدیده ای جدید در حیات اجتماعی و اقتصادی ایران نبود، اما آن چه که کاملاً تازگی داشت، این بود که از سلطنت مظفرالدین شاه این پدیده، همراه با دخالت های فزاینده اجانب و اعطای امتیازات تجاری و اقتصادی به آن ها واحد قرضه های متعدد، تجربه می شد. (لمبتون، ۱۳۵۷، ۳۸۰) توصیف غم انگیز و در عین حال دردناکی که حاج سیاح از وضعیت ظاهری مردم بدست می دهد کاملاً گویای این حقیقت است که مردم تا چه اندازه در شرایط بسیار ناگواری به سر می برده اند. (محلالتی، ۱۳۵۹، ۲۴۹)

یکی دیگر از آثار اجتماعی و اقتصادی روابط یک طرفه با روس و انگلیس در دوره مظفرالدین شاه «افزایش مالیاتها» بود. البته مالیات و نظام مالیات گیری در همه دوران های مختلف وجود داشته و یکی از منابع اصلی درآمد حکومت های مستقر در ایران را تشکیل می داده است، اما موضوع قابل تأمل در این مقطع زمانی این بود که حکومت وقت از آن جا که برای بازپرداخت قروض اخذ شده به غیر از گمرک (که تحت تسلط دول قرض دهنده بود) و مالیات به منبع مالی کارآمدتری را سراغ نداشت لذا برای ادای دین مجبور به افزایش مالیات ها و یا احیاناً وضع مالیاتهای جدید می شد.

افزایش مالیات از اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه که مصادف با اخذ قروض متعدد از روس و انگلیس بود، شروع شده بود. در حالی که توده مردم برای پرداخت مالیات های سنگین دولت مجبور می شدند حتی از نزول خواران و مالکان بزرگ قرض بگیرند. اکثر منابع تاریخی دوره قاجار، سنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و استبداد حاصل از آن و نیز افزایش مالیات

های گوناگون را به صور مختلف توصیف نموده و اذعان داشته اند که طمع شاه برای اخذ وجوه مالیاتی هرگز فروکش نمی کرده است. (محلّاتی، ۱۳۵۹، ۳۳۵)

مالیات حتی بر وضعیت تجارت، وضعیت این دوره تأثیر زیانباری داشته، بطوریکه شهرهای مهمی چون رشت، یزد، کاشان و ... که روزی مرکز رونق صنعت و تجارت بودند، بر اثر فشارهای مالیاتی دولت تماماً به مناطق بحران زده مبدل شده بودند (شفیع قزوینی، ۱۳۷۰: ۴۵-۴۴)

یا به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه از آنجا که طرح های اصلاح مالی با شکست و ناکامی روبرو شد، و افرادی همچون مورگان شوستر آمریکایی نتوانستند قروض دولت را از طریق اخذ مالیات بپردازند، لذا تحصیلات مالیاتی همچنان ادامه یافت (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۰۲).

افزایش فشارهای مالیاتی که از نتایج مهم اخذ قروض خارجه بود، در اواخر دوره قاجار توأم شد با بحران های اقتصادی و اجتماعی، مانند بروز قحطی و شیوع امراض گوناگون به علاوه هرج و مرج سیاسی ناشی از بروز جریان مشروطه نیز اوضاع را وخیم تر از گذشته می شود. (فسایی، ۱۳۶۶، ۶۶)

### بحران های مالی و کسری بودجه

اصولاً استقراض خارجی در دوره قاجار دو تأثیر سوء داشت: اول اینکه چون این وام ها صرف کارهای اقتصادی مفید نگردید، در حد بحران های مالی دولت موثر افتاد، دیگر این که قروض خارجی به عنوان یکی از مظاهر سیاست استعمالی، افکار عام را تکان داد (آدمیت، ۱۳۵۵، ج ۱، ۱۴۴) تمامی حکومت هایی که در دوره ده ساله ی (۱۳۲۴، ۱۳۱۴ ق/ ۱۹۰۷-۱۸۹۷ م) روی کار آمدند با بحران مالی دست به گریبان بودند و فشار بحران مالی، موثرترین عامل تعیین کننده سرنوشت حکومت ها بود. این اوضاع بر جایگاه اجتماعی و اقتصادی کلیه طبقات مردم تأثیر گذاشته و حتی شاهزادگان و ملاکین نیز از وضعیت موجود ناراضی بودند. حذف مواجب و مستمری افراد وابسته به حکومت که در دوره صدرات میرزا علی خان امین الدوله و سپس صدرات عین الدوله به تدریج صورت گرفته بود باعث ایجاد نارضایتی شده بود. پس از پیروزی

نهضت مشروطه و تشکیل مجلس در ایران نیز دولت مرکزی به خاطر عدم امکان دریافت قرض از خارج و از طرف دیگر کمبود منابع مالی در داخل کشور با شرایط بسیار نامساعد مالی مواجه شده بود. کسری بودجه در دولت هنگامی شدت پیدا کرد که بر اثر استقراض های خارجی، نظام اقتصادی و سیاسی ایران در سیستم سرمایه داری غرب به صورت ناهمگون ادغام شده بود (وطن خواه، ۱۳۸۰، ۲۶۵)

اگر چه این وام ها برای مدت کوتاهی می توانست کسری بودجه دولت را سر و سامان دهد. اما در بلند مدت میزان این تأثیر کمتر شده و نهایتاً دولت را با چالش های متنوع روبرو می ساخت. به بیان دیگر اولیای امور حکومت ایران در پی آن بودند که کسری بودجه دولت را با اخذ قرضه های جدید به صورت موقت درمان کنند. این وضعیت نه تنها راه علاج مشکل دولت نبود بلکه باعث افزایش وابستگی دولت به منابع مالی در خارج می شد. گذشته از مواردی که تاکنون تحت عنوان آثار اقتصادی و اجتماعی استقراض از آنها یاد شد، تورم کاهش ارزش پول، خروج فلزات قیمتی از کشور (مستوفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ۲۵)

بدین ترتیب پرداخت اصل و فرع وام های خارجی، اسراف بیشتر از حد دربار و حرامسرا، سفرهای داخلی و خارجی شاه، سوء استفاده از درآمدهای گمرکی و غیره از جمله عواملی بودند که تا پایان سلسله قاجار باعث کسری بودجه دولت می شدند (فوران، ۱۳۸۲، ۲۱۷) به اشاره منابع و اسناد این دوره، کسری بودجه از معضلات لاینحل دولت مشروطه بود که سرانجام هم نتوانست به غیر از قرض گرفتن از خارج راه حل مناسبی برای رفع آن پیدا کند.

در دوره مشروطه اگر چه اقداماتی (تخفیف مستمریها، دفتری نمودن مالیات) در جهت جبران کسری بودجه دولت توسط نمایندگان مجلس صورت گرفت، اما طولی نکشید که باز موازنه دخل و خرج دولت که به هم خورد و جریان امور به روال سابق بازگشت و دولت با کسری بودجه مجدد روبرو شد.

به لحاظ سیاسی گذشته از نفوذ روز افزون دول روس و انگلیس در امور جاریه دولت مرکزی ایران و وابستگی همه جانبه این دولت به دنیای خارج، بروز نهضت مشروطه را باید یکی از مهم ترین عوارض استقراض از دولت بیگانه به حساب آورد. همچنین روس و انگلیس توانستند با پرداخت قرض های متعدد به شاه و درباریان اطراف وی یک حالت نیمه محاصره ای را در تهران و در نتیجه سایر نقاط حساس کشور ایجاد کنند به طوری که کمتر شخصیتی در هر پست و مقامی می توانست قدمی بر خلاف منافع این دولت ها بردارد. همین وضعیت باعث افزایش نارضایتی اقشار مختلف مردم بویژه شهرنشینان و اعتراض آنها نسبت به حکومت قاجارها شد. وام خواهی بیگانگان به شدت روحیه ی عمومی مردم را تحت تأثیر قرار داده بود تغییر در کابینه های صدارت این دوره را نیز باید نتیجه سیاسی این وضعیت دانست. هر کابینه ی که نمی توانست منابع مالی جدید و تازه برای دولت و شخص شاه ایجاد کند سرنوشتی جز سقوط از اریکه قدرت نداشت. افزایش وابستگی نظام قاجار را می توان از دیگر آثار استقراض خارجی دانست.

از زمانی که سرمایه های خارجی به شکل قرضه و وام توسط دول استعمارگر در جهت تحکیم پایه های نفوذ امپریالیستی خویش در ایران به کار گرفته شد شیوه حکومت قاجار نیز کم کم دستخوش تغییر شده و رو به وابستگی به منابع مدرن در فراسوی مرزها حرکت نمود.

از نظر دیدگاه اقتصادی اکثر منابع مالی مخصوصا گمرک به دست بیگانگان سپرده شد، روس و انگلیس پس از تسلط بر گمرکات شمال و جنوب به گونه ی عمل می نمودند که با گذشت زمان میزان صادرات این کشورها به ایران به صورت چشمگیری افزایش یافت. بزودی و با ادامه این روند مراکز تجاری و پس از آن مراکز صنعتی یکی پس از دیگری به ورشکستگی افتادند، صنایع بومی و سنتی به بوته فراموشی سپرده شد، و صاحبان این صنایع به کارگری روزگار می گذراندند پس از صنایع بخش کشاورزی نیز از جمله بخش های اقتصادی کشور بود که به واسطه استقراض خارجی به شدت آسیب دید. همچنین انواع محصولات کشاورزی مخصوصا در اواخر دوره قاجار به گونه ی به عمل می آمد که بیشتر در جهت تأمین احتیاجات حکومت های امپریالیستی بوده به لحاظ اجتماعی استقراض خارجی تأثیرناگوار بر اقشار مختلف جامعه بویژه طبقات فقیرنشین گذاشت.

از طرف دیگر این پدیده ساختار اجتماعی جامعه ایران را تا حدودی به هم ریخت. پس از گذشت مدت کوتاهی از تأسیس در بانک استقراضی روسیه و شاهنشاهی انگلیس گروه های

زیادی از مردم بویژه به بانک استقراضی به صورت مردمی بدهکار درآمدند این روند باعث شد تا طبقات مختلف مردم که از جمله مقروضان عمده به بانک های خارجی بودند، اگر نسبت به نفوذ عوامل بیگانه اعتراض نمی کردند حداقل تا حدود زیادی نسبت به این وضعیت و آینده سیاسی کشور بی اعتنا می شدند.

مهاجرت ایرانیان بویژه در مناطق شرقی و شمال شرقی رواج زیادی یافت، زیرا دولت روسیه شرایط مناسبی برای زندگی و انجام امور شغلی آنها ایجاد می کرد همچنین مهاجرت در این زمان روستاهای کشور را خالی تر از گذشته کرد، این وضعیت باعث شد تا زمین های کشاورزی باید و بدون زارع باقی بماند. افزایش مالیات ها و فقر روز افزون نیز از مهم ترین آثار احتمالی استقراض خارجی در این دوره می باشد. حکومت مرکزی برای بازپرداخت اقساط وام های خود تنها می توانست مالیات ها را افزایش دهد و این مهم فقر مردم را از آن چه در گذشته بود بیشتر می کرد. پس از بیان خلاصه ی از مجموعه آثار سیاسی - اجتماعی و اقتصادی استقراض خارجی در دوره قاجار ذکر دو نکته اساسی را قابل طرح می دانیم: اول این که اصولاً نفس قرض گرفتن یک دولت از دولت دیگر به خودی خود نمی تواند زیانبار باشد، بلکه آن چه که باعث خصران و خسارت می شود شرایط دریافت و چگونگی هزینه کردن مبالغ قروض است. اولیای امور قاجار از یک طرف با بدترین شرایط و دادن امتیازات بی شمار دست به استقراض خارجی می زد و از طرف دیگر مبالغ قرض گرفته شده را نه در شریانهای اقتصادی بلکه صرف خوش گذرانی و سفرهای اروپایی خود نموده و این مهم بود که باعث خسارتهای مضاعف اقتصادی، اجتماعی و نیز سیاسی می شد.



منابع

۱. اتحادیه ، منصوره، گوشه هایی از روابط خارجی ایران ، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۷.
۲. امین الدوله، میرزا علی خان، خاطرات سیاسی به کوشش حافظ فرمانفرمائیان ، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰.
۳. انصاری رنانی، قاسم، قنبر علی کرمان، تجارت در دوره قاجاریه ، نشر علامه ، تهران، ۱۳۸۱.
۴. ایوانف، م. انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه کاظم انصاری، نشر نور، تهران، ۱۳۵۴.
۵. آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱.
۶. آرکدی، نیکی، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ققنوس، ۱۳۹۲.
۷. آشوری، داریوش و رحیم رئیس نیا، زمینه اقتصادی و اجتماعی انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، تبریز، ۱۳۴۷.
۸. آوری، پیترو، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیع آبادی، ج ۲، ج ۱، تهران، ۱۳۶۹.
۹. باری یر، ج ، اقتصاد ایراهن، ج ۱، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۳.
۱۰. بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه تجدد، ج ۲، نشر و پژوهش فرزنان نور، ۱۳۵۷.
۱۱. پاولو ویچ، م. سه مقاله درباره ی انقلاب مشروطه ایران، ترجمه م. هوشیار، نشر کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۵۷.
۱۲. تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکو، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۶۱.
۱۳. جمالی ( اسدآبادی)، ابوالحسن، نامه های سید جمال الدین اسد آبادی، ج ۱، تهران، ۱۳۴۹.
۱۴. رزاقی، ابراهیم، آشنایی با اقتصاد ایران ، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۱۵. رسول زاده، محمد امین، گزارشهای از انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه رحیم رئیس نیا، ج ۱، تهران، ۱۳۷۷.
۱۶. سپهر، محمد تقی لسان الملک، ناسخ التواریخ ( تاریخ قاجاریه ) به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۱، اساطیر، تهران، ۱۳۷۷.
۱۷. سیاح محلاتی، محمدعلی، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت ، به کوشش: حمید سیاح و سیف اله گلکار، ج ۲، سپهر، تهران، ۱۳۵۹.
۱۸. سیف، احمد، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، ج ۱، تهران، ۱۳۷۳.
۱۹. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، ج ۱، کتاب تهران، تهران، ۱۳۶۳.
۲۰. شوستر، مورگان، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تصحیح فرامرز برزگر، اسماعیل رائین، تهران، ۱۳۴۴.

۲۱. عین السلطنه، قهرمان میرزا (سالور)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، چ ۱، ج ۳، اساطیر، تهران، ۱۳۷۴.
۲۲. فسایی، حاج میرزا حسن حسینی، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسائی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
۲۳. فلور، ویلم، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، چ ۱، ج ۲، تهران، ۱۳۶۶.
۲۴. فوران، جان، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ م / ۸۷۹/ش تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، چ ۴، رسا، تهران، ۱۳۸۲.
۲۵. فوریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲.
۲۶. قزوینی، محمد شفیق، قانون قزوینی، به کوشش ایرج افشار، نشر طلایه، تهران، ۱۳۷۰.
۲۷. کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه، محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۷.
۲۸. کاظم زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران، منوچهر امیری، امیرکبیر، تهران: ۱۳۵۴.
۲۹. کرزن، جرج، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، ج ۱، بی نشان.
۳۰. کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، چ ۴، ج ۱، ۲، سپهر، تهران، ۱۳۴۰.
۳۱. کیانفر، عین اله و استخری پروین، درویی و نیرنگ انگلیس، زرین، تهران، ۱۳۶۳.
۳۲. گروه، هوگو، سفرنامه گروه، ترجمه مجید جلیلود، چ ۱، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۹.
۳۳. لمبتون، آ.گ. س، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، چ ۱، تهران، ۱۳۷۵.
۳۴. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، زوار، تهران، ۱۳۴۳.
۳۵. ملک زاده، محمدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
۳۶. نایبان، جلیل، مناسبات ایران با دول خارجی در عهد قاجار، فردابه، تهران، ۱۳۷۳.
۳۷. نصر، سید تقی، ایران در برخورد با استعمارگران، چ ۱، مولفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۳.
۳۸. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی سیاسی ایران در دوره معاصر، چ ۱، ج ۱، ۲، بنیاد، تهران، ۱۳۶۸.
۳۹. وهرام، غلامرضا، نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار، انتشارات معین، تهران، ۱۳۶۷.
۴۰. وطن خواه، مصطفی، موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران، چ ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۴۱. وین، آنتونی، ایران در بازی بزرگ، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیکان، تهران، ۱۳۸۲.

## **Works of Treaties Passed to Russia and Britain during Naseri and Mozafari Periods**

**Dr. Mahmood Seyyed**

Faculty Member of Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Nina Sayad Abdi**

Graduated from the History of Islamic Iran, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran

### **Abstract**

The Qajar regime in the period of Nazareth and Mozafari, in the context of which the West African countries expanded the policy of exporting capital to undeveloped countries, did not survive in the realm of economic, commercial and industrial development. There are many theories about this fact and the explanation of its origins. The nature of the work of the Qajar government and the inability of the government to understand the realities of the economy and the country's development, the appropriate cultural and social outreach, and finally the state's surrender to the extent of the colonial policies of Russia and the United Kingdom, including the factors that keep the country's economy away from the trend Expansionism. The present paper deals with the history of economic developments and the study of Iran's machinery in the era of Naseri and Mozafari, and in the second place, limited government measures in the field of economic development that have caused Iran's economy to stagnate, and in the third place, the social strata of the country, Such as businessmen, who had significant incentives to stimulate economic growth, not only lacked government support, but faced government hardships, and in the fourth place, the inferiority of the spread of bankruptcies, the degeneration of traditional domestic industries, economic transformation Trade is limited to economics, including institutions and obvious symptoms Economic analysis and the development of barriers to underdevelopment have been analyzed.

**Key words:** Qajar, Nazareth, Mozaffari, privileges, consequences, Russia, England.

